

عطایای روحانی و کاربرد آنها (۱۱)

تعمید روح القدس (قسمت اول)

(اول قرن‌تین ۱۲:۱۲-۱۳)

در جلسات گذشته از چهار عطای موقت دو مورد آنرا از جمله، (۱) عطای معجزات و (۲) عطای شفا را بررسی کردیم، دو مورد دیگر یعنی عطای زبانها و ترجمه زبانها را مفصلاً در جلسات آینده بررسی خواهیم کرد و از آنجائیکه آیه یازدهم این باب (اول قرن‌تین ۱۲) را در برنامه سوم تحت عنوان منشاء عطایا، پوشش دادیم، ادامه مطالعه مان را از آیات ۱۲ و ۱۳ تحت عنوان تعمید روح القدس پی می‌گیریم.

پس قبل از هر چیز توجه شما رو به اول قرن‌تین ۱۲:۱۲-۱۳ جلب می‌کنم.

اول قرن‌تین ۱۲:۱۲-۱۳ بدن انسان، واحدی است که از اعضای بسیار تشکیل شده و اگرچه دارای اعضای متفاوت می‌باشد، باز هم بدن واحد است و مسیح هم همین‌طور می‌باشد. پس همه ما، خواه یهود، خواه یونانی، خواه برده و خواه آزاد، به وسیله یک روح در یک بدن تعمید یافته ایم و همه از همان روح پر شده ایم تا از او بنوشیم. (ترجمه مؤده)

ترجمه قدیمی: زیرا چنانکه بدن یک است و اعضای متعدّد دارد و تمامی اعضای بدن اگرچه بسیار است یک تن می‌باشد، همچنین مسیح نیز می‌باشد. زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم.

پولس رسول در آیات فوق، به یک عبارت الاهیاتی بسیار مهم تحت عنوان "تعمید روح القدس" اشاره می‌کند که موضوع بحث و مطالعه امروز ما می‌باشد.

اگر چه، در رابطه با تعمید روح القدس، نظرات مختلفی وجود دارد، و موضوع بحث انگیزی است که مورد سوء تعبیر بسیاری قرار گرفته، اما، مسئله اصلی در اینجا است که، باید قادر باشیم موضع مان را در این رابطه، یعنی تعمید روح القدس، از روی کلام خدا ثابت کنیم.

بنابراین، سعی ما این است که آیات فوق را به خوبی بررسی کنیم و بدون تعصب و جانب‌داری از شخص، گروه یا فرقه ای خاص، به یک درک صحیح الاهیاتی از آنچه منظور پولس بوده برسیم.

می‌خواهیم بفهمیم که خدا در این آیات چه میگوید و ما چطور میتوانیم آن را در زندگی مان به کار گیریم.

شروع درس (کلیسای واحد)

پولس رسول وقتی در رساله اول قرن‌تین باب ۱۲ به آیات ۱۲ و ۱۳ می‌رسد تاکید و نتیجه‌گیری بسیار جالبی از ۱۱ آیه قبل می‌کند.

او میگوید، اگر چه خدا ایمانداران را با عطایای روحانی متفاوت تجهیز کرده است، اما نباید فراموش کرد که آنها باید به یک اتحاد و یگانگی روحانی، متعهد باشند و تمام فعالیت‌هایشان را هماهنگ با آن تطبیق دهند.

از این جهت، پولس در آیه ۱۲، برای ساده تر کردن مفهوم اتحاد در گوناگونی، کلیسا را به یک بدن تشبیه کرده است، و در آیه ۱۳ آن را با یک اصل اساسی که یک عبارت حقیقی است، تثبیت می کند. ما نیز در اینجا این دو مورد را، یعنی تشبیه بدن در آیه ۱۲ و اصل روحانی در آیه ۱۳ را به تفصیل بررسی می کنیم. پس ابتدا به تشبیه بدن در آیه ۱۲:۱۲ می پردازیم.

تشبیه یک بدن

اول قرن‌تینان ۱۲:۱۲ زیرا چنانکه بدن یک است و اعضای متعدّد دارد و تمامی اعضای بدن اگرچه بسیار است یک تن می باشد، همچنین مسیح نیز می باشد. (ترجمه کلاسیک)

اشاره پولس در این آیه، به پیوستگی و همگی بودن کلیساست. اعضای بدن از هم جدا نیستند. اگر عضوی از آن جدا شود، بدن صدمه می خورد. اگر چه بدن یکپارچه است، اما اعضای متفاوت و مختلف دارد. بنابراین، با اینکه یکی است، در خود دارای تنوع نیز می باشد. از این جهت کلیسا به بدن تشبیه شده است.

عبارت ساده ای که پولس در این آیه به کار می گیرد، دارای یک مفهوم بسیار عمیق روحانیست. او میگوید بدن یکی است اما شامل اعضای متفاوت است که به روش های گوناگون عمل می کنند.

کلیسا بعنوان بدن مسیح نیز دارای اعضای متفاوت است. اما باید این حقیقت را در نظر داشت که در تمام این بدن، فقط یک جان وجود دارد که کلیه اعضا از آن انرژی می گیرند و به فعالیت های گوناگون خود ادامه می دهند. پولس رسول در سایر رسالات و بخش های دیگر همین رساله نیز، این نتیجه گیری را کرده است.

بعنوان مثال،

در اول قرن‌تینان ۱۷:۱۰ نیز، او اعضا را به یک بدن تشبیه کرده.

پولس در رومیان ۴:۱۲-۵ که به موضوع عطایا میپردازد، می گوید:

رومیان ۴:۱۲-۵ زیرا همچنان که در یک بدن اعضای بسیار داریم و هر عضوی را یک کار نیست، همچنین ما که بسیاریم، یک جسد هستیم در مسیح، اما فرداً اعضای یکدیگر.

با مطالعه رساله افسسیان نیز در خواهیم یافت که پولس در چند آیه همین تشبیه را بکار برده است. مثلاً

افسسیان ۱:۲۳ کلیسا بدن اوست یعنی پُری او که همه را در همه پر می سازد.

افسسیان ۲:۱۶ و تا هر دو را در یک جسد با خدا مصالحه دهد، به وساطت صلیب خود که بر آن عداوت را گُشت،

افسسیان ۴:۱۲ و ۴:۱۲ یک جسد هست و یک روح، چنانکه نیز دعوت شده اید در یک امید دعوت خویش.

در رسالات دیگر مثلاً

کولسیان ۱:۱۸ و ۲۲ آمده:

کولسیان ۱:۱۸ و ۲۲ و او بدن یعنی کلیسا را سر است، زیرا که او ابتدا است و نخست زاده از مردگان تا در همه چیز او مقدم شود.^{۲۲} در بدن بشری خود بوسیله موت تا شما را در حضور خود مقدس و بی عیب و بی ملامت حاضر سازد،

بهترین تشبیهی که میتوان برای کلیسا قائل شد، بدنی است که سر و منشاء حیات آن مسیح می باشد.

در عهدجدید برای تشریح رابطه بین کلیسا و مسیح، به تشبیهات دیگری نیز اشاره شده که از این قرارند.

گله و شبان، ملکوت و پادشاه، خانواده و پدر، و همچنین شاخه ها و تاک

ولی تشبیه "بدن و سر" بهترین آنهاست، چون بدن یک موجود زنده و متحرک است که از قواعد و اصول مشابه، مطابعت می کند.

علاوه بر اینکه بدن یک جسم واحد است، اما در خود شامل اعضای متفاوت با کاربردهای مختلف می باشد، و حیاتش به یک منشاء وابسته است.

پولس رسول بدن آدمی، که یکی از عجیب و پیچیده ترین صنعت دست خداست را مطرح می کند.

بدن انسان با قابلیت‌های بی نهایت، بسیار زیبا و ارزشمند می باشد، که با طرح بسیار پیچیده ای، فراتر از درک آدمی، خلق شده است.

آقای دکتر کریگ "Craig" در یکی از سخنرانی هایی که برای دانشجویان پزشکی دانشگاه شیکاگو ایراد نمود چنین گفت:

اگر میانگین وزن بدن یک شخص را ۶۸ کیلوگرم فرض کنیم، ترکیبات شیمیایی آن شامل شکر: به اندازه یک نمکدان کوچک، آهن: به اندازه ای که بتوان با آن یک میخ ریز تولید کرد و قدری آب و آهک که روی هم رفته قادر نخواهیم بود چیز با ارزشی با آنها بسازیم.

اما خدا همانطور که شاهدیم، خدا با آنها چیزی خلق نموده که بی نهایت ارزش دارد و نمی توان روی آن بهایی تعیین کرد. عیسی مسیح فرمود اگر آدمی جانش را ببازد همه چیزش را از دست داده است. ارزش بدن بسیار بالاتر از بهای ترکیبات آن است. آنقدر که قادر به محاسبه آن نمی باشیم. مخلوقی است که علاوه بر گوناگونی، یکپارچه و متحد است.

پس، بطور شگفت انگیزی آفریده شدیم. شاید باور نکنید، اما حتی اعضای بدن ما که بصورت جفت هستند نیز، تفاوت وجود دارد.

مثلاً چشم، گوش، دست و پاهای سمت چپ با آنهاییکه در سمت راست بدنمان هستند، با هم تفاوت‌هایی دارند. اما این تفاوت به چشم نمی آید و باعث بهم زدن همکاری آنها با سایر اعضا بدن نیز نمی شوند.

تمام این اعضای مختلف و پیچیده را خدا در یک جسم قرار داده که در اتحاد و هماهنگی با هم بطور شگفت انگیزی عمل می کنند.

برای مثال در رقابت های المپیک می توانیم شاهد بخشی از توانایی ها و هماهنگی اعضای بدن آدمی باشیم. کلیسا نیز از این اصل مستثنی نیست، بطوریکه موجود زنده ایست که از اعضای گوناگون تشکیل شده و از یک منشاء حیات خود را دریافت می کند.

یگانگی و اتحاد

پس، باتوجه به اصل اتحاد و یگانگی کلیسا، باید به یک نکته بسیار مهم توجه کنیم و آن این است که، نمی توانیم مسیحیان را به انواع مختلف تقسیم بندی کنیم. به عبارتی فقط یک نوع مسیحی وجود دارد و این حقیقتی است که پولس در آیه ۱۳ به آن اشاره می کند:

اول قرنثیان ۱۳:۱۲ زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم.

بنابراین از هر قوم، نژاد، رنگ پوست، زبان، ملیت، فرهنگ، طبقه اجتماعی و یا هر فرهنگی که باشیم همه ما مسیحیان، در یک ایمان متحدیم.

این آیه یک اصل روحانی را بیان می کند.

پولس رسول در اینجا جمع می بندد و می گوید، جمیع ما تعمید یافتیم، و بعد ادامه می دهد که همه ما از یک روح نوشانیده شدیم.

بنابراین، روی سخنش با مسیحیان است.

از این آیه می فهمیم که همه مسیحیان، اعم از قدیم یا جدید بودن ایمانشان، از روح القدس نوشانیده شده و در بدن تعمید گرفته اند. پولس رسول جایی برای تبعیض روحانی نمی گذارد.

با در نظر گرفتن فقط همین آیه، دیگر کسی نمی تواند بگوید که فلان ایماندار روح القدس را ندارد یا نیافته است، ولی دیگری دارد. متأسفانه، بعضی از فرقه ها یا کلیساها اینگونه تعلیم می دهند، و این باعث تفرقه، جدایی و طبقه بندی کردن مسیحیان می شود.

مشکل کلیسای قرنثیان نیز همین بود، یعنی بعضی افراد با انجام یک سری کارهای ظاهری سعی می کردند پری روح و روحانیت خودشان را به روی دیگران بکشانند و باعث نفاق و جدایی در کلیسا شده بودند.

از این جهت، پولس رسول در اینجا گوشزد می کند که عطایای روحانی نباید باعث تفرقه و یا جدایی شما شود.

اتفاقاً برعکس، از آنجائیکه روح القدس در یک مسیحی واقعی ساکن است، او در اتحاد و یگانگی با سایر ایمانداران می کوشد و زندگی کند.

پولس به طرز بسیار زیبایی، تعمید روح القدس را به "نوشیدن از یک روح" تشبیه می کند. البته توجه کنید که کلام خدا می فرماید که ما از روح القدس نوشانیده شدیم.

کسی که از روح القدس نوشانیده شد در مسیح قرار می گیرد.

پس ما در بدن مسیح، افراد خارجی، بدون روح القدس یا بدون تولد تازه نداریم.

مسیحی یا روح القدس دارد یا اگر ندارد مسیحی نیست، یا تولد تازه دارد اگر ندارد مسیحی نیست.

متأسفانه جدی نگرفتن بعضی واژه های الاهیاتی، آگاهانه یا ناآگاهانه، در دراز مدت باعث انحرافات در زندگی روحانی افراد می شود.

در انتهای آیه ۱۲، نکته بسیار حساسی نهفته است. پولس در آنجا می گوید "همچنین مسیح نیز می باشد". جالب اینجاست که او نه مسیح بلکه کلیسا را به یک بدن تشبیه می کند، به همین دلیل انتظار می رود که پولس در انتهای این آیه بگوید همچنین کلیسا نیز میباشد اما بجای او میگوید "همچنین مسیح نیز می باشد". چرا پولس بجای کلمه کلیسا از مسیح استفاده می کند؟

پاسخ به این سوال، بستگی به تعریف ما از کلیسا دارد؟ تعریف ما از کلیسا چیست؟

وقتی نام کلیسا برده می شود چه چیز به نظر ما میرسد؟ ساختمان؟ گروهی از مردم که هر کدام تک تک در جای خود در کلیسا نشسته اند؟

پولس در تشریح مفهوم تشبیه بدن، بجای کلیسا، به مسیح اشاره می کند.

در واقع او در اینجا به یک مفهوم بسیار عمیق الاهیاتی اشاره دارد که میخواهد با این روش توجه شنونده را به آن جلب کند.

بیائید چند لحظه متمرکز همین گفته پولس شویم و به آن فکر کنیم.

حیات مسیح در ما

بیائید به مفهوم "همچنین مسیح نیز می باشد" که در انتهای اول قرنیتیان ۱۲:۱۲ به آن اشاره شده، فکر کنیم.

اول قرنیتیان ۱۲:۱۲ زیرا چنانکه بدن یک است و اعضای متعدّد دارد و تمامی اعضای بدن اگرچه بسیار است یک تن می باشد، همچنین مسیح نیز می باشد.

چرا پولس نمیگوید که همچنین کلیسا نیز یک بدن است؟

چون اشاره پولس به این واقعیت است که کلیسا همان بدن مسیح است.

پولس می خواهد توجه مخاطبینش را به اتحاد و یگانگی ایمانداران با مسیح زنده معطوف کند.

ایمانداران موجودات زنده ای هستند، با ضربانهای جاودانه که از طریق روح مسیح که در آنهاست، حیات را دریافت کرده اند.

ما مسیحیان فقط زنده نیستیم. Bio در یونانی، واژه ایست در مقابل مرگ، به معنای حیات یا زنده بودن. تنها تاکید آن برداشتن حیات است.

اما در یونانی کلمه دیگری برای زندگی وجود دارد و آن zoe می باشد. Zoe فقط زنده بودن معنی نمی دهد، بلکه حرکت و فعال بودن هم در کنارش است.

وقتی شخصی به فارسی می گوید فلانی زنده است، می تواند چند مفهوم داشته باشد.

اول اینکه، شاید منظورش این است که دارد نفسهای آخرش را می کشد اما هنوز زنده است. یا اینکه منظورش این باشد که بگوید او چقدر پر جنب و جوش و فعال است. او واقعاً زنده است و حسابی انرژی دارد. یونانی ها برای هر کدام از این مفاهیم یک کلمه جدا استفاده می کردند. یک مفهوم دیگر نیز در اینجا وجود دارد و آن مفهوم الاهیاتی آن می باشد. وقتی ما می گوئیم که در مسیح حیات داریم، منظورمان این نیست که هنوز در بدن ما جان هست یا حرکت می کنیم، بلکه هدف ما اشاره به حیات جاودان می باشد. از آنجائیکه حیات مسیح در ماست، بنابراین زندگی و حیات ما نیز جاودانه است. عیسی مسیح نیز درست همین منظور را داشت وقتی که فرمود.

یوحنا ۱۴:۱۹ از این جهت که من زنده‌ام، شما هم خواهید زیست.

یوحنا رسول در جای دیگر میگوید،

اول یوحنا ۵:۱۲ هر که پسر را دارد حیات را دارد و آنکه پسر را ندارد حیات را نیافته است.

پس، کسی که مسیح را ندارد حیات را نیز ندارد و اصلاً مفهوم حیات در مسیح را درک نمی کند.

تجسم مسیح در ما

کلیسا، تجسم مسیح در دنیاست. عیسی مسیح بار دیگر در جسم یا بدنی به نام کلیسا، تجسم یافته.

پولس در اینجا تاکیدش بر تجسم و آشکار شدن مسیح از طریق کلیساست. عیسی در من و شما و هر ایماندار دیگری زنده است. در واقع این مفهوم نجات است.

اول قرنیتیان ۱۷:۶ لکن کسی که با خداوند پیوندد یک روح است.

این آیه بدین مفهوم نیست که هر کس جداگانه با خداوند یک روح است پس بدن مسیح از بخشهای مجزا و تفکیک شده تشکیل نشده است. از آنجائیکه ما با خداوند یک روح شده ایم پس با تمام کسانی که با او یک روح هستند نیز یک میباشیم.

پس اگر مسیح در ما زندگی می کند نباید برای جلال دادن او مشکلی باشد. اگر در مسیح زندگی می کنیم و نه در دنیا، پس باید در هر چیز جلال مسیح را آشکار کنیم.

وقتی شخصی در اتحاد با مسیح زندگی می کند نفسش دیگر هیچ نقشی در کنترل او نخواهد داشت.

پولس در غلاطیان زندگی در مسیح را اینگونه تعریف میکند.

غلاطیان ۲:۲۰ با مسیح مصلوب شده ام ولی زندگی می کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می کند. و زندگانی که الحال در جسم می کنم، به ایمان بر پسر خدا می کنم که مرا محبت نمود و خود را برای من داد.

این حقیقت شامل همهٔ مسیحیان است. حیات مسیح در ماست. او در ما زندگی میکند. پولس در جای دیگر میگوید که مرا زیستن مسیح است و مردن نفع. دیگر نیازی نیست که به دنبال حیات جاودانی باشیم. ما حیات جاودانی را در خود داریم چون مسیح را داریم.

یک اصل روحانی (The Reality)

حال از تشبیه بدن که پولس در آیهٔ ۱۲ استفاده کرده، به بررسی یک اصل الاهیاتی در آیهٔ ۱۳ تحت عنوانِ تعمیدِ روح یا تعمید در روح القدس میبازد، می پردازیم. این آیه همچنین اشارهٔ بسیار زیبایی به، در مسیح بودن مسیحیان می کند.

تعمیدِ روح یا تعمید در روح القدس

اول قرنیتان ۱۲:۱۳ زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم.

منظور پولس که میگوید "به یک روح در یک بدن تعمید یافتید" چیست؟

پاسخ به این سوال بسیار مهم و حیاتیست چون در بیشتر مواقع مورد سوء تفاهم و سوء تعبیر قرار گرفته است.

اگر خوب به این آیه دقت کنید خواهید دید که پولس در اینجا به دو مورد، اول شکل گیری بدن و دوم حیات درونی آن، اشاره می کند.

عبارت اول در آیهٔ ۱۳ "جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم" به تشکُّل بدن اشاره دارد، و عبارت دوم یعنی، "همه از یک روح نوشانیده شدیم"، اشاره به زندگی درونی آن است.

هر دوی این موارد عواملی است که اعضای مختلف بدن، یعنی مسیحیان را متحد می سازند.

بخاطر داشته باشید که موضوع اصلی در اینجا اتحاد است.

خدا برای یکی نمودن، از هر دوی این مفاهیم استفاده می کند. یعنی، تمام مسیحیان را در یک بدن مسیح قرار می دهد و نیز از یک روح به آنها حیات می بخشد.

پس، خدا اتحاد ما مسیحیان را توسط این دو کار انجام می دهد.

شکل گیری بدن

پولس در آیهٔ ۱۳ اشاره "به یک روح" دارد که بسیاری را دچار مشکل ساخته و اگر درک درستی از مفهوم این واژه نداشته باشیم، قضیه مطلب دیگری خواهد شد، چون این واژه را میتوان با معانی مختلف ترجمه کرد.

مثلاً: می توان

به یک روح را = با یک روح ترجمه کرد یا

به یک روح = بوسیله یا به توسط یک روح

به یک روح = به نام یک روح

به یک روح = با یک روحیه ای کاری را انجام دادن ترجمه کرد.

البته مثالهای فوق با در نظر گرفتن آنچه به فارسی می شنویم و درک می کنیم مطرح شده اند.

همین واژه را اگر بخواهیم در انگلیسی و اصل یونانی معنی کنیم به گزینه های بیشتر و متفاوت تری بر می خوریم.

لذا، برای انتخاب و بکارگیری ترجمه صحیح باید فنون ترجمه و فن تفسیر زبان یونانی و قواعد الاهیاتی را رعایت کرد.

در این راستا سعی ما این است که با رعایت اصول مربوطه به یک تفسیر صحیح برسیم.

برای انتخاب اینکه کدام گزینه بالا را برای ترجمه متن انتخاب کنیم باید هدف پولس را در این جمله در نظر بگیریم.

بحث پولس در این قسمت، در رابطه با تعمید است و بنظر می رسد که تعمید در روح یا تعمید روح ترجمه مناسبی برای این بخش باشد.

در ادامه مطالعه، دلایل بیشتری برای این ترجمه خواهیم داشت.

برای اینکه بتوانیم درک صحیحی از تعمید در روح القدس داشته باشیم، بهتر است قدری متمرکز شخص تعمید دهنده، یعنی عیسی مسیح، شویم.

عیسی تعمید دهنده میباشد

عیسی مثل یحیی، که مردم را در آب تعمید می داد، مسیحیان را در روح القدس تعمید می دهد.

در هیچ جایی از کتاب مقدس نیامده که روح القدس خودش کسی را تعمید داده باشد.

بنابراین در تعمید روح القدس یا تعمید در روح القدس، روح خدا فاعل نیست.

به متی ۱۱:۳ توجه کنید:

متی ۱۱:۳ من شما را با آب تعمید می دهم و این تعمید نشانه توبه شماست ولی کسی که بعد از من می آید، از من توانا تر است و من لایق آن نیستم که حتی کفشهای او را بردارم. او شما را با روح القدس و آتش تعمید خواهد داد.

یحیی تعمید دهنده به مردم می گوید من برای توبه، شما را در آب تعمید می دهم اما کسی که بعد از من می آید از من بزرگتر است، او شما را در روح القدس تعمید خواهد داد.

پس تا اینجا متوجه شدیم که عیسی مسیح تعمید دهنده است و روح القدس آن چیزی است که مردم باید در آن تعمید بگیرند، البته اگر ایماندار باشند اگر ایماندار نباشند در آتش تعمید خواهند گرفت.

خوب توجه کنید در اینجا منظور از آتش، آتش پنطیکاست نیست بلکه آتش جهنم می باشد چون در ادامه میگوید:

متی ۱۲:۳ او کاه را از گندم جدا کرده ، آن را در آتشی خاموش نشدنی خواهد سوزاند؛ اما گندم را در انبار جمع خواهد نمود.»

بنابراین اگر کسی در روح تعمید نگیرد مسیح او را در آتشی که خاموش نمی شود (جهنم) تعمید خواهد داد.

مرقس نیز همین مطلب را تکرار می کند.

مرقس ۷:۱-۸ و موعظه می کرد و می گفت که بعد از من کسی توانا تر از من می آید که لایق آن نیستم که خم شده، دوال نعلین او را باز کنم. من شما را به آب تعمید دادم. لیکن او شما را به روح القدس تعمید خواهد داد.

لوقا نیز به همینطور در لوقا ۱۶:۳-۱۷ به تعمید در روح و آتش اشاره دارد.

یحیی تعمید دهنده می گوید که عیسی را از ابتدا نمی شناخت، اما به او علامتی داده شد، تا بتواند او را شناسایی کند.

یوحنا ۱:۳۳ و من او را نشناختم، لیکن او که مرا فرستاد تا به آب تعمید دهم، همان به من گفت بر هر کس بینی که روح نازل شده، بر او قرار گرفت، همان است او که به روح القدس تعمید می دهد.

توجه داشته باشید که یوحنا نیز در آیه فوق عیسی را تعمیددهنده روح القدس معرفی می کند. هر چه که جلوتر میرویم موضوع روشن تر می شود، بطوریکه در اعمال ۲:۲۲-۳۳ لوقا چنین می گوید.

اعمال ۲:۲۲-۳۳ پس همان عیسی را خدا برخیزانید و همه ما شاهد بر آن هستیم. پس چون به دست راست خدا بالا برده شد، روح القدس موعود را از پدر یافته، این را که شما حال می بینید و می شنوید ریخته است.

لوقا میگوید عیسی مسیح روح القدس را در روز پنطیکاست بر شاگردان ریخت. بنابراین روح القدس عنصر ایست که تعمید گیرنده در آن تعمید می گیرد.

The Element of the Baptism is the Spirit

پس تا اینجا در یافتیم که عیسی مسیح ما را در روح تعمید می دهد، درست همانطور که یحیی تعمید دهنده مردم را در آب تعمید می داد.

روح القدس نه تنها عنصر تعمید روح است بلکه او در تولد تازه و نجات ما نیز دخالت دارد.

بنابراین هر سه اقنوم یا شخصیت‌های تثلیث در نجات ما دخالت دارند.

بطوریکه، پدر آسمانی که پسر را می فرستد تا برای گناهان ما کفاره باشد،

عیسی مسیح که برای گناهان ما مصلوب شد و

روح القدس که با تولد تازه و تعمید در او، ما را وارد خانواده الهی کرده، به بدن مسیح وصل می کند.

نکته دیگری که در آیه ۱۳ به آن بر می خوریم تعداد تعمید گیرندگان است. اگر از شما سوال شود، در آیه ۱۳، چند نفر به یک روح در بدن تعمید یافته اند، پاسخ شما چیست؟

البته که "همه". بنابراین، فرض پولس بر این است که تمام مسیحیان به یک روح در یک بدن تعمید دارند.

توجه داشته باشید که اگر بخواهیم تعمید در یک روح با تعمید در یک بدن را از هم تفکیک کنیم آنوقت اتحاد در بدن مسیح را مخدوش می سازیم چون مسیحیان همه در بدن مسیح یک می باشند.

عده ای هستند که با آموزه های غلط سعی دارند تعمید روح القدس را تجربه جدا از تولد تازه قرار دهند. اگر اینطور باشد آنوقت باید بپذیریم که مسیحیان دو گروهند آنهاییکه بتوسط تعمید روح در بدن هستند و آنهاییکه هنوز تعمید روح نگرفته و به بدن وصل نشده اند. در صورتیکه این کاملاً غلط است.

نوع تعمید

نوع تعمیدی که پولس در آیه ۱۳ به آن اشاره می کند، کاملاً روحانی است و اصلاً ربطی به تعمید آب ندارد. پولس در رومیان ۳:۶ نیز به همین نوع تعمید اشاره می کند.

برخی از گروه های مسیحی مثل آئین گراها (Sacramentalist)، تعلیم می دهند که افراد به محض گرفتن تعمید آب، روح القدس را دریافت می کنند، در صورتیکه این کاملاً اشتباه است، چون بسیاری در نوزادی تعمید می گیرند و بعد که بزرگ شدند، بدون ایمان مسیحی زندگی می کنند.

لغت اصلی یونانی Baptizo که به فارسی تعمید ترجمه شده، به مفهوم فرو رفتن است.

تشبیهی از تعمید آب با تعمید روح القدس

مثلاً، در رابطه با تعمید آب، فرو رفتن بدن را در آب بطور کامل معنی می دهد و در رابطه با تعمید روح نیز همینطور است.

یعنی شخصی که تعمید روح می یابد در واقع در اتحاد در بدن مسیح غوطه ور یا مستغرق می شود.

شخصی که تعمید آب می گیرد اول، در هوای آزاد است اما در لحظه تعمید او در آب فرو میرود و وارد محیط دیگری می شود.

به همینطور شخصی که تعمید روح می گیرد محیطش تغییر میکند. کسی که تعمید روح میگیرد در محیطی کاملاً متفاوت با هویت تازه، به خانواده جدید و اتحادی تازه با مسیح وارد میشود.

برای مثال متی ۱۱:۳ از تعمید توبه میگوید و منظورش این است که شخصی که تعمید توبه می گیرد در واقع قلب توبه کار او کاملاً عوض شده و از افکار و رفتار جدید اشباع شده است.

در اول قرنهای ۲:۱۰ نیز از تعمید موسی سخن می گوید، که نشانگر ترک قوم اسرائیل از سرزمین مصر و غوطه ور شدن در یک هویت و سرزمینی جدید می باشد.

عیسی مسیح، در تعمید روح، ایمانداران را بتوسط روح القدس با هم متحد می کند.

باعث تعجب است که هنوز برخی مسیحیان از نوایمانان می پرسند آیا شما بعد از توبه از گناهانت، تعمید روح یافته اید.

این سوال بسیار بی ربطی است، چون در نهایت تعلیم نجات را مخدوش می کند.

نهرهای آب زنده

یکی از نام ها یا تشبیهاتی که برخی برای تعمید روح القدس استفاده می کنند نهرهای آب زنده است. یوحنا ۳۷:۷ در این رابطه میگوید.

یوحنا ۳۸:۷ کسی که به من ایمان آورد، چنانکه کتاب می گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد.»

برخی سعی دارند که مسیحیان را به دو گروه تقسیم کنند و آنها را متقاعد کنند که بعد از نجات، نیاز به یک تجربه دیگر دارند یا اینکه باید وارد مرحله یا فاز دوم نجات شوند، و آن را تعمید روح القدس می نامند.

این گونه افراد با استفاده غلط از آیه فوق (یوحنا ۳۸:۷) به دیگر ایمانداران می گویند درست است که شما نجات یافته اید، اما هنوز از بطن شما نهرهای آب زنده جاری نشده. بعد که شخص مسیحی سوال می کند این نهر آب زنده چیست، آنها می گویند همان فاز دوم از نجات یعنی تعمید روح القدس است.

حال بیائید به بررسی یوحنا ۳۷:۷ پردازیم.

و در روز آخر که روز بزرگ عید بود، عیسی ایستاده، ندا کرد و گفت: «هر که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد.

در عید خیمه‌ها مرسوم بود که یک کاهن ملاقه‌ای می‌گرفت و با آن به مردم آب می‌داد.

بدینوسیله واقعه‌ای را که در آن خدا از صخره به قوم آب نوشانید را، جشن می‌گرفتند. (سرگذشت این واقعه را میتوان در باب ۱۷ خروج و باب ۲۰ کتاب اعداد مطالعه نمود). در این جشن آنها اشعیا ۳:۱۲ را میخوانند:

اشعیا ۳:۱۲ چه شادی‌بخش است نوشیدن از چشمه‌های نجات!

کاملاً بجا و به موقع بود که عیسی مسیح در این جشن، پس از ۴۰۰ سال سکوت از مردمیکه تشنه نجات خدا بودند در یوحنا ۳۷:۷ دعوت میکند که نزد او بیایند و از او بنوشند و نجات خدا را دریافت کنند.

یوحنا ۳۷:۷ و در روز آخر که روز بزرگ عید بود، عیسی ایستاده، ندا کرد و گفت: «هر که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد.

منظور عیسی مسیح از تشنگی نیاز روحانی آنهاست. عیسی مسیح در بشارت به زن سامری وقتی کنار چاه آب نشسته بود نیز چنین گفت:

یوحنا ۴:۱۳-۱۴ «هر که از این آب بنوشد باز تشنه گردد، لیکن کسی که از آبی که من به او می‌دهم بنوشد، ابداً تشنه نخواهد شد، بلکه آن آبی که به او می‌دهم در او چشمه آبی گردد که تا حیات جاودانی می‌جوشد.»

منظور عیسی در این آیات دعوت مردم به نجاتیست که برایشان مهیا کرده است. او از همه کسانی که میخواهند نجات بیابند دعوت میکند تا نزدش آیند. سپس با پذیرش او بتوسط روح القدس در قلب و وجودشان زندگی میکند.

سوالی که در اینجا پیش می‌آید این است، وقتی کسی به مسیح ایمان می‌آورد چقدر روح القدس دریافت میکند آیا یک جرعه؟ خیر! آیه ۳۹ میگوید که عیسی او را سیرآب میسازد بقدری که در او چشمه آبی می‌گردد که تا حیات جاودان می‌جوشد. برای دریافت تعمید روح القدس یا نهرهای آب زنده فقط یک شرط وجود دارد و آن ایمان نجات بخش است. برای روشن تر شدن موضوع به اعمال باب ۱۱ مراجعه کنید. پطرس در اینجا شرح حال ایمان آوردن امتهای (کرنلیوس) را به شورا میدهد و در اینجا اشاره میکند درست پس از ایمان آوردنشان آنها از روح القدس تعمید گرفتند.

اعمال ۱۵:۱۱-۱۸ من در آنجا هنوز مطالب زیادی نگفته بودم، که روح القدس بر آنها نازل شد. به همان طریقی که در ابتدا به خود ما نازل شده بود و آنگاه به خاطر آوردم که خداوند فرموده بود: 'یحیی با آب تعمید می‌داد اما شما با روح القدس تعمید خواهید یافت.' خدا به آنها همان چیزی را بخشیده است که به ما هنگامی که به عیسی مسیح خداوند ایمان آوردیم عطا فرمود، پس من که بودم که مانع کار خدا بشوم؟» وقتی این را شنیدند خاموش ماندند و درحالی که خدا را ستایش می‌کردند گفتند: «پس در این صورت خدا به غیریهودیان نیز این فرصت را بخشیده است تا آنها هم از گناهان خود توبه کنند و حیات یابند.»

بنابراین تنها شرط برای دریافت نهرهای آب زنده یا تعمید روح القدس همان ایمان نجاتبخش میباشد.

تعمید روح القدس یک تجربه نیست

تعمید روح القدس یک تجربه نیست. واقعیتی است که در هنگام نجات رُخ میدهد. وقتی یک نفر توبه میکند و به مسیح ایمان می‌آورد، عیسی مسیح نیز در روح او را تعمید داده عضوی از اعضای بدن میگرداند. او دیگر خارجی نیست بلکه در مسیح میباشد. بنابراین تعمید روح القدس یک مفهوم استقراری و نه تجربی دارد.

برای درک بهتر این مطلب غلاطیان ۳:۲۶ را در نظر بگیرید. پولس رسول در اینجا میفرماید:

غلاطیان ۳:۲۶-۲۷ زیرا همگی شما بوسیله ایمان در مسیح عیسی، پسران خدا می باشید. زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را دربر گرفتید.

در این آیه پولس شخص مسیحی را با چهار واژه مترادف تعریف میکند.

- (۱) یک شخص مسیحی کسی است که به مسیح ایمان دارد
- (۲) یک شخص مسیحی کسی است که فرزند (پسر یا دختر) خداست
- (۳) یک شخص مسیحی کسی است که در مسیح تعمید یافته
- (۴) یک شخص مسیحی کسی است که مسیح را در بر گرفته است

این چهار واژه مترادف درک وسیعتری از تعمید روح القدس به ما میدهد. به همین خاطر است که در هیچ جایی از کتابمقدس نمیبینیم که خدا به مسیحیان حکم کرده باشد، که باید تعمید روح بگیرند. چون خدا در هنگام نجات این کار را برایشان میکند. یکی از اصول اصلی ایمان مسیحی همین مفهوم یکی شدن با مسیح است که در تعمید روح القدس، انجام میشود و اگر بخواهیم مفهوم آن را عوض کنیم بخشی از تعلیم نجات را خدشه دار میکنیم.

گفتن اینکه فلانی تعمید روح القدس ندارد مثل این میماند که بگوئیم او در مسیح نیست یا اینکه خدا او را کاملاً نجات نداده است. اما کولسیان ۲:۱۰ میفرماید.

کولسیان ۲:۱۰ و شما نیز به وسیله اتحاد با او که مافوق همه قدرتها و ریاستهاست، کامل شده اید.

نکته دیگری که در این رابطه باید به آن توجه داشت این است که در اول قرن‌تین ۱۲:۱۳ پولس می گوید که جمیع ما مسیحیان در یک روح تعمید یافتیم. از فعل گذشته استفاده میکند. یعنی اینکار توسط خدا در هنگام نجات قبلاً انجام شده است. دیگر نیاز به تجربه جدید یا تازه ای در این رابطه نیست. هویت ما در مسیح تثبیت شده، حیات مسیح در ماست و او در ما بتوسط روح القدس ساکن است.

برخی می پرسند پس چرا عیسی مسیح در اعمال ۱:۴-۵ به شاگردانش میگوید که برای تعمید روح القدس باید انتظار بکشند؟

پاسخ اینست که چون میبایست اول مسیح صعود کند بعد در وقت معینی که خدا از قبل تعیین کرده بود، یعنی روز پنطیکاست روح القدس نازل شود.

روح القدس برای اولین بار در عهدجدید در روز پنطیکاست بر کلیسا نازل می شود و کلیسا بعنوان بدن مسیح در این روز متولد می گردد.

البته این بدان معنا نیست که مسیحیان هر بار باید منتظر تجربه ای مثل پنطیکاست باشند. همانطور که مسیح برای نجات ما فقط یکبار از مریم باکره متولد شد و یکبار بر صلیب رفت و رستاخیر و صعود او یکبار صورت گرفت روح القدس نیز در روز پنطیکاست یکبار افاضه شد و کلیسای خداوند متولد گردید.

سوال دیگری که اغلب پرسیده میشود این است که پس چرا در اعمال باب ۸ سامریها باید انتظار میکشیدند تا رسولان آمده بر آنها دست بگذارند و بعد روح القدس را بیابند؟

در پاسخ به این سوال باید وضعیت حساس آن زمان را در نظر گرفت. کلیسای خدا به سرعت در حال رشد است. ابتدا از یهودیان آغاز شد و این خود یک بحران شدید در آن جامعه ایجاد کرده بود. یهودیان از این موضوع خوشحال نیستند. عیسی مسیح را مصلوب کردند که صدای آنها قطع شود حال آنکه بعد از گذشت چند هفته هزاران نفر یهودی به آنها پیوسته و تمام کوچه و بازار را با بشارت تعالیم مسیح پر ساخته اند. بنابراین از لحاظ فرهنگی و حتی سیاسی کلیسا خود را در شرایط بسیار بحرانی میبیند. آنها خوب میدانستند که این رهبران یهودی اگر به مسیح رحم نکردند بر شاگرائش اصلاً رحم نخواهند کرد. به هر حال شجاعتی که روح القدس به شاگردان برای بشارت ملکوت خدا در آن دوره داده بود بی نظیر است.

اتفاقی که در باب هشت می افتد نیز بی نظیر است چون در اینجا سامری ها ایمان می آورند و پذیرش سامری ها از طرف یهودیان ایماندار بسیار سخت بود. آنها به این آسانی نمی توانستند سامری هایی را که قبلاً دینشان را به اجنبیان فروخته بودند بپذیرند از نظر یهودیان ایماندار، سامری ها خائن و دین فروش بودند. خدا برای حل این مشکل با یک تیر دو نشان را هدف میگیرد، درست مثل انتخاب روز پنطیکاست برای نزول روح القدس، در این شرایط حساس، نزول روح القدس را با نهادن دست رسولان بر آنها واگذار میکند. حتی فیلیپس هم این کار را نکرد بلکه خدا مقرر فرمود تا خود به دست رسولان این مسئله یعنی آشتی بین یهودیان و سامری ها انجام شود و خبر این واقعه را رسولان به شورای اورشلیم ببرند.

سوال دیگر باب ۱۰ اعمال است در رابطه با نازل شدن روح القدس بر کرنلیوس و همراهانش میباشد. اتفاقی که در باب ۱۰ میافتد ایمان آوردن غیریهودیان و ملحق شدن آنها به کلیساست. در اینجا غیر یهودیان به محض ایمان آوردن به پیام پطرس روح القدس را می یابند. پطرس نیز خبر ملحق شدن غیر یهودیان را به سایر رسولان میدهد. نباید فراموش کرد که در روز پنطیکاست در آن بالا خانه فقط یهودیان حضور داشتند. بنابراین جای سامری ها و غیر یهودیان خالی بود.

اتفاقاً وقایع باب ۸ و ۱۰ با تعریفی که ما از تعمید روح القدس کردیم کاملاً منطبق است. با توجه به آنچه تا الان گفته شد تعمید روح القدس حالت استقراری دارد. یعنی افراد را به بدن وصل میکند. همانطور که در این باب ها شاهدیم برای اتصال سامری ها و امتهای به بدن خدا ترجیح داد که به روشهای خاص خود با استفاده از رسولان عمل کند.

جالب اینجاست که در هر مورد یک روش متفاوت را به کار می‌گیرد. در یک جا با نهادن دست‌ها، اما در جای دیگر، در هنگام موعظه، روح القدس نازل می‌شود.

نکته دیگر این است که هیچ کدام از آیات افراد در انتظار تعمید روح نبودند. انتظار برای دریافت روح القدس فقط به شاگردان داده شد. بعد از آن واقعه (واقعه پنطیکاست)، وقایع به کلی فرق می‌کند و انتظاری در کار نیست. در هیچ جایی از کلام خدا نمی‌بینیم که جلسات مخصوص تعمید یا دریافت روح القدس برگزار کرده باشند. یا در هیچ رساله‌ای نمی‌خوانیم که مردم را تشویق به دریافت یا تعمید روح القدس کند.

البته، موضوع پری روح القدس کاملاً با تعمید فرق می‌کند که در آینده در درسی جداگانه به آن خواهیم پرداخت.

نکته دیگری که ممکن سوال شود در اعمال باب ۱۹ است. پولس رسول در اینجا به افسس میرسد و در آنجا با ۱۲ نفر از شاگردان یحیی برخورد میکند.

اعمال ۱۹: ۲-۶ از آنان پرسید: «آیا وقتی ایمان آوردید، روح القدس را یافتید؟» آنها در پاسخ گفتند: «خیر، ما حتی خبر هم نداشتیم که روح القدس وجود دارد.» پولس به ایشان گفت: «پس چه نوع تعمیدی گرفتید؟» گفتند: «تعمید یحیی.» پولس فرمود: «تعمیدی که یحیی می‌داد، نشانه توبه بود و در ضمن به مردم می‌گفت که به آن شخصی که بعد از او می‌آید، یعنی به عیسی، ایمان بیاورند.» وقتی آنها این را شنیدند به نام عیسی خداوند تعمید گرفتند و هنگامی که پولس بر سر آنان دست نهاد، روح القدس بر آنان نازل شد و به زبانها صحبت کرده و نبوت می‌نمودند.

سوال اینجاست که چرا این ۱۲ نفر که ایمان داشتند روح القدس را نیافته بودند؟ در پاسخ باید گفت این افراد، شاگردان یحیی بودند و هنوز مسیح را بعنوان خداوند نمی‌شناختند. شناخت آنها از مسیح فقط عهدعتیقی بود. یعنی اطلاعی از رستاخیز، صعود و حتی نزول روح القدس نداشتند. بنابراین در وضعیت انتقال از یک شناخت عهدعتیقی به ایمان عهدجدیدی بودند. به همین دلیل پولس از آنها می‌خواهد که به شخصی که بعد از یحیی می‌آید یعنی عیسی ایمان بیاورند و پس از ایمان آنها را تعمید آب می‌دهد و روح القدس را می‌یابند.

بعد از این، دیگر قضیه تعمید در بدن یا تعمید روح القدس کاملاً روشن و واضح است، چون کلیسا تقریباً شکل گرفته و یهودیان نیز از دوره انتقال (Transition) از عهدعتیق به عهدجدید عبور کرده‌اند.

نکته زیبایی که در آیه ۱۳ (اول قرن‌تین ۱۲) می‌خوانیم اینست که، خواه یهود، خواه یونانی، خواه برده و خواه آزاد باشیم همه در مسیح یک می‌باشیم. شاید بعضی با این موضوع زیاد راحت نباشند و خود را از یک طبقه یا کلاس خاص بدانند، اما این واقعیتی است که کلام خدا می‌خواهد آن را درک کنیم. این فیض و موهبت الهی است که شامل ما شده. خداوند عیسی مسیح برای ما طریقی مهیا نمود که بتوانیم در او یک باشیم.

بنابراین افرادی که تعمید روح القدس را تجربه‌ای جدا از نجات میدانند عمل نجات بخش خدا را ناقص می‌نمایانند. مثل این می‌ماند که بگویند خدا در نجاتش چیزی کم گذاشته که در نوبتهای بعدی ارائه می‌دهد. خیر عزیزان این گونه تعالیم که طرح و نقشه نجات خدا را خدشه دار میکند از خدا نیست و باعث تضعیف کلیسا و به انحراف کشیدن

ایمانداران می شود. پنطیکاست دیگری وجود ندارد. روح پاک خدا یکبار برای همیشه در روز پنطیکاست نازل شد تا به توسط ایمان در ایمانداران بماند. تعلیم تعمید روح القدس یک تعلیم اساسی و بنیادینست چون نه تنها به نجات ما مربوط است بلکه موارد مهمی چون اتحاد ایمانداران و وضعیت آنها در بدن مسیح را نیز تحت پوشش قرار میدهد. بنابراین باید در رابطه با آن بسیار حساس و دقیق بود و مواظب بود که با ساده لوحی و بی تفاوتی نسبت به آن روح خدا را محزون نکنیم.

مسئله دیگری که معمولاً با تعمید روح القدس به اشتباه گرفته میشود پری روح القدس است. پولس در افسسیان از ایمانداران میخواهد که از روح خدا پر شوند. آیا می دانید که چگونه از روح خدا پر شوید و چطور شاهد قوت او در زندگی تان باشید؟ بسیار ساده است تنها راه پر شدن از روح القدس و فعال ساختن قوت آن اطاعت است. وقتی روزانه با مطالعه و تفتیش و تفکر به کلام خدا وقت میدهیم و اجازه میدهیم که این کلام در زندگی مان عمل کند آنگاه روح خدا به قوت در زندگی مان فعال می گردد. این یک اصل عهدجدید است.

پس تا اینجا ما تشکل یا شکل گیری بدن مسیح را توسط روح القدس با هم بررسی کردیم و دیدیم که چطور خدا در تعمید روح کلیسا را یکپارچه بصورت یک بدن متحد میسازد. اگر تعلیم ما در رابطه با شکل گیری بدن به گونه ای دیگر باشد آنوقت ایمانداران را از بدن جدا کرده آنها را شناور و سرگردان میکنیم و مفهوم کلیسا بعنوان بدن مسیح از بین خواهد رفت.

دومین چیزی که باید در رابطه با اتحاد مسیحی به آن اشاره کرد در انتهای آیه ۱۳ میباشد.

اول قرنتیان ۱۲:۱۳ و همه از یک روح نوشانیده شدیم.

اتحاد و یگانگی کلیسا مثل شراکت اعضا در بدن فقط دارای یک جنبه استقراری نیست، بلکه مطابق با این آیه، جنبه ذاتی و ماهیتی نیز دارد. عبارتی در هنگام نجات، نه تنها ما در مسیح قرار می گیریم، بلکه او نیز در ما ساکن می شود.

کنابمقدس میگوید که "خدا روح القدس را به میزان عطا نمی کند".

یوحنا ۳:۳۴ زیرا آن کس که خدا فرستاد، کلام خدا را بیان می کند، چراکه خدا روح را به میزان معین [به او] عطا نمی کند.

و یا در جای دیگر می گوید که آیا نمی دانید که شما هیکل روح القدس هستید و روح خدا در شما ساکن است.

در جای دیگر پولس میگوید هرگاه کسی روح خدا را ندارد از آن او نیست.

پس جنبه دیگر این اتحاد، یگانگی ما با خداست چون او در ما زندگی می کند و ما برای زندگی روحانی مان از او حیات و قوت می گیریم.

به عبارتی هم ما در او قرار میگیریم و هم او در ما. (مثل مَرینیت کردن مواد غذایی).

پولس در اول قرن‌تینان ۱۲:۱۳ می گوید که همه ما از یک روح نوشانیده شده ایم، حال که مفهوم این آیه رو با هم مطالعه کردیم، اجازه بدید عرض کنم که عزیزان مسیحی، نوش جان، گوارای وجودتون تا ابدیت لذتش و ببرید.

در درس بعدی موضوع یک بدن با عطایای متعدد را بررسی خواهیم کرد.

فیض و برکت خدا با همه شما باشد و بماند.